

## کلاهبرداری‌های سریالی در سایه نماد اعتماد جعلی

عامل ایجاد سایت فروش لوازم خانگی با جعل لوگوی ای نماد از سوی پلیس پایتخت دستگیر شد. این فرد با یک سایت فروش آنلاین کالاها از ارزان که نماد اعتماد الکترونیک نیز داشت، مردم را سرکسبه می‌کرد.

چندی پیش تعدادی از شهروندان به پلیس فتای تهران بزرگ مراجعه کردند و مدعی شدند پس از خرید در یکی از سایت‌های فروش لوازم خانگی مورد کلاهبرداری قرار گرفته‌اند. مالباختگان این پرونده در ادامه اظهارات خود گفتند: «قصد خرید لوازم خانگی در فضای مجازی را داشتیم. با یک سایت فروش آنلاین این کالاها با قیمت‌های ارزان که نماد اعتماد الکترونیک نیز داشت مواجه شدیم. پس از انجام فرآیند خرید و واریز پول، کالایی دریافت نکرده و متوجه کلاهبرداری شدیم.» پس از اخذ اظهارات شکات رسیدگی به موضوع در دستور کار قرار گرفت. کارشناسان پلیس فتای تهران بزرگ تحقیقات اولیه پرونده را آغاز کردند. آنها در اقدامات اولیه متوجه شدند کلاهبردار با ایجاد یک سایت خرید آنلاین و جعل ای نماد اقدام به جلب اعتماد شهروندان و کلاهبرداری از آنها می‌کند. افسران سایبری پلیس فتای پایتخت با یکارگیری اقدامات فنی و تحقیقات گسترده در فضای مجازی موفق به شناسایی گرداننده این سایت شدند. پس از به دست آوردن اطلاعات هویتی مجرم و تشریفات قضائی متهم را در یکی از مناطق حاشیه تهران بزرگ دستگیر و به پلیس فتا منتقل کردند. متهم پس از حضور در پلیس فتا هرگونه جرمی را انکار کرد، اما پس از مشاهده مستندات موجود در پرونده ضمن پذیرش جرم خود به کلاهبرداری از بیش از ۱۴ نفر از شهروندان به ارزش ریالی حدود ۵ میلیارد ریال اقرار کرد. سرهنگ «داود معظمی گودرزی» رئیس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات پایتخت با اعلام این خبر گفت: «مشخصات فروشگاه‌های معتبر در سایت Enamad.ir قابل مشاهده است. صفحه‌ای که مجوز دارد حتماً باید با آدرس enamad.ir آغاز شده باشد. آدرس اینترنتی (URL) سایت فروشگاه با بازار الکترونیکی با آدرسی که در این صفحه معرفی می‌شود باید یکسان باشد. همچنین با کلیک کردن روی تصویر لوگوی نماد اعتماد الکترونیکی، صفحه مجوز مربوطه را مشاهده می‌کنید، مطمئن شوید که صفحه مشاهده شده، صفحه اصلی مرورگر شماست نه یک عکس و تصویر از یک مرورگر.» سرهنگ گودرزی از شهروندان خواست: «این پلیس به صورت شبانه‌روزی آماده پاسخگویی به شهروندان بوده و کاربران می‌توانند در صورت مواجهه با هرگونه موارد مشکوک آن را از طریق سایت پلیس فتا به آدرس WWW.Cyberpolice.ir قسمت ثبت گزارش‌های مردمی با ما درمیان بگذارند.»

## کلاهبردار میلیاردی گرفتار شد

این فرد به بهانه اعزام به عتبات از مردم پول میلیاردی به جیب زد.

کلاهبردار ار اراکی که به بهانه اعزام به عتبات عالیات و خرید خودرو مردم را سرکسبه کرده بود، دستگیر شد. مفخمی شهرستانی، فرمانده انتظامی استان مرکزی درباره جزئیات این ماجرا گفت: «در پی شکایت یکی از شهروندان شازندی مبنی بر کلاهبرداری فردی از او به بهانه اعزام به عتبات عالیات، موضوع به صورت ویژه در دستور کار کارآگاهان پلیس آگاهی استان قرار گرفت. در تحقیقات اولیه پلیس مشخص شد فرد کلاهبردار با دادن وعده واهی سفر به عتبات عالیات با چرب‌زبانی از شاکای پول نقد دریافت کرده است. شاکای پس از مدتی که دیگر فرد مذکور به تماس‌های پاسخ نمی‌دهد، متوجه می‌شود که نه تنها اقدامی به منظور سفر او به عتبات انجام نشده بلکه از او کلاهبرداری نیز صورت گرفته است. پس از تحقیقات مأموران و استعلام‌های صورت گرفته، مشخص شد که فرد مورد نظر از مجرمان سابقه‌دار است. همچنین مأموران متوجه شدند که او ساکن استان تهران است که به قصد کلاهبرداری به استان آمده بود.»

مفخمی شهرستانی ادامه داد: «با تلاش‌های فراوان، سرانجام محل اختفای این فرد کلاهبردار در استان تهران شناسایی شد. پس از انجام هماهنگی‌های لازم و اخذ نیابت قضائی، در عملیات کارآگاهان پلیس در این استان دستگیر و برای تکمیل تحقیقات به یگان انتظامی انتقال داده شد. هنگامی که فرد دستگیر شده در بازجویی‌های فنی پلیس با مدارک و مستندات قانونی مواجه شد، سرانجام لب به سخن گشود. او به کلاهبرداری از ۳ نفر از شهروندان به بهانه سفر به عتبات عالیات و خرید خودرو گرفتن ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون ریال از آنان به این شیوه اعتراف کرد.» فرمانده انتظامی استان مرکزی با اشاره به ادامه داشتن تحقیقات تکمیلی این پرونده کلاهبرداری ادامه داد: «شهروندانی که به این شیوه و شگرد مورد کلاهبرداری قرار گرفته‌اند، می‌توانند با مراجعه به اداره جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی استان مرکزی پیگیر موضوع از طریق قانونی باشند.»

## خانواده قربانیان اتوبوس سرباز معلم‌ها در گفت‌وگو با «شهروند» از سختی‌های زندگی‌شان می‌گویند

# برای این بچه‌ها پدری کنید



**مریم رضاخواه** نه روپوش داشت که به مدرسه برود نه کفش. روپوش را از دختر همسایه عاریه گرفت اما همچنان کفش ندارد. کیفش اما یادگار پدر است. همان پدر سرباز معلمش که رویاهایش در همان سوم تیرماه در اتوبوس مرگ تکه‌تکه شدند. همه دار و ندارشان را فروختند تا اول مهرماه روی تخته سیاه بنویسد بابا آمد، اما به کلاس درس نرسید. یک ولوو قدیمی بی‌ترمز همه آرزوهای آن ۳۳ مسافر زاهدان آباچه را با خود برد. رویاهای همه بازماندگان را هم کشت. حالا خانواده قربانیان اتوبوس مرگ مانده‌اند با کوهی از رنج. روی مدارک قربانیان ولوو افسارگریخته، حالا مهر متوفی خودنمایی می‌کند. شهید اعلام‌شان نکردند.

پنجشنبه سوم تیرماه بود که از زاهدان به سمت آباچه حرکت کردند. ۳۳ سرباز معلم سوار بر یک اتوبوس قدیمی. امریه سپاه داشتند و قرار بود پس از دوره آموزشی در آباچه در روستاهای سیستان و بلوچستان تدریس کنند. به کودکان محروم آموزش بدهند، اما نشد دیگر آن صبح سوم تیرماه میدان تفت یزد را ندیدند. اتوبوس به تریلی ۱۸ چرخ برخورد کرد و متوقف شد. راشد و عبدالرحمن و طیب و سروان ۴ سرباز معلمی بودند که قربانی ایمنی پایین جاده‌ها و سیستم حمل‌ونقل عمومی فرسوده کشور شدند.

### برای معلمی دار و ندارش را فروخت

راشد پاهنگ دو کودک ۶ و ۴ ساله دارد. همان پدر که همانند دیگر مسافران ولوو افسارگریخته هم دار و ندارش را داد تا معلم شود. حالا کودکش مانده‌اند بدون پدر. در کنار مادر و پدر بزرگ‌شان زندگی می‌کنند. هزینه‌های زندگی را پدر بزرگ می‌دهد. پدر بزرگی که خود کار ندارد. زندگی‌اش با پول یارانه تامین می‌شود. حالا خرج عروس و نوه‌هایش را هم می‌دهد.

عایشه عروس خانواده پاهنگ است. زن ۲۳ ساله‌ای که چهار ماهی است بیوه شده، رخت سیاهش را هنوز بر تن دارد و از جفای روزگار می‌نالند. با چشمانی که از اشک پر و خالی می‌شود از روزهای سیاه بیوگی و بی‌پدری بچه‌هایش به «شهروند» می‌گوید. «اتوبوس زندگی‌مان را با خود برد. همه آرزو و رویاهایمان را تکه‌تکه کرد. ۷ سالی بود که زن راشد بودم. از همان آرزو دارنده بچه‌هایشان معلم شوند تا از این تنگنا نجات پیدا کنند. همه طلاها و وسایل خانمان را فروختیم تا راشد

دانشگاه برود. خودش هم کارگری می‌کرد تا هزینه‌های رفت‌وآمدش را بدهد. هر بار به شهر می‌رفت تا به دانشگاه برسد کرایه ماشینش ۱۰۰ هزار تومان می‌شد. در دانشگاه پیام نور درس خوانده بود.»

### رویاهای خاک شده

عایشه سال ۹۴ ترک تحصیل کرده زمانی که دیگر رسیدن به مدرسه برایش آرزو شده بود. فاصله خانه تا مدرسه زیاد بود همین هم می‌شود که دختر جوان از ادامه تحصیل باز می‌ماند و به خواستگاری راشد پاسخ مثبت می‌دهد. با هم نسبت فامیلی هم داشتند، اما از کجا می‌دانست که رویاهایش را باید با بیکر همسرش خاک کند. از کجا می‌دانست که بچه‌هایش در کودکی بی‌پدر می‌شوند و باید هر روز طفره بروند که پدرشان دیگر نیست.

مادر جوان حرف زیاد دارد حرف‌های در گلو مانده بالای می‌آیند. «محدته ۶ سال دارم و عمیر ۴ سال. بی‌قرارد. گریه‌هاشان تمامی ندارد. عمیر مدام سوال می‌کند. بابام کجاست. می‌گویم رفته پیش خدا. سکوت می‌کند و دوباره سوال بعدی. یعنی بر نمی‌گردد. دیگر با من بازی نمی‌کند. برای من کیف نمی‌خرد. راشد پیش از سفر برای محدته کیف مدرسه خریده بود. تنها وسیله‌ای که برای مدرسه داشت. کیف، شده تمام جاننش. از پدرش می‌گوید از خاطراتش اما بدون اینکه نام بابایش را بگوید. او امسال پیش دبستانی رفت. از آنجایی که آه در بساط نداریم نه کفش دارد نه روپوش مدرسه. روپوش را از دختر همسایه قرض گرفتیم اما با دمپایی به مدرسه می‌رود. نمی‌دانم چطور باید از پس هزینه‌های زندگی بر بیایم. در حال حاضر در خانه پدر شوهرم زندگی می‌کنیم. در اتاق کوچکی در خانه‌ای از خشت و گل. هیچی نداریم نه پولی نه خرجی.»

### می‌خواهم معلم شوم

این مادر که همه راه‌ها را به روی خودش بسته می‌بیند قصد دارد ادامه تحصیل بدهد. می‌خواهد وارد دانشگاه فرهنگیان شود تا بعد از پدر، آینده بچه‌هایش را بسازد. «همه دغدغه‌ام قبولی در دانشگاه دولتی است، اما اگر آزاد قبول شوم از پس هزینه‌ها بر نمی‌آیم. از سنم هم می‌ترسم با کنکور ۷ سالی فاصله دارم. مطمئناً اولویت اول با سال اولی‌ها خواهد بود. همه زندگی‌مان را برای شغل و آینده راشد دادیم. پدر شوهرم هم کاری ندارد که از پس مخارج ما بر بیاید. از خودمان خونه هم نداریم. معلمان کشته شده را هم شهید اعلام نکردند. آنها را متوفی خوانده‌اند. هنوز هم در حد کاغذ بازی است. هر روز یک چیزی می‌خواهند. یک روز امضای من را یک روز اثر انگشت پدر شوهرم را. یک روز نامه انحصار وراثت می‌خواهند. هیچ دیه‌ای پرداخت نشده است و ما بلا تکلیفیم.»

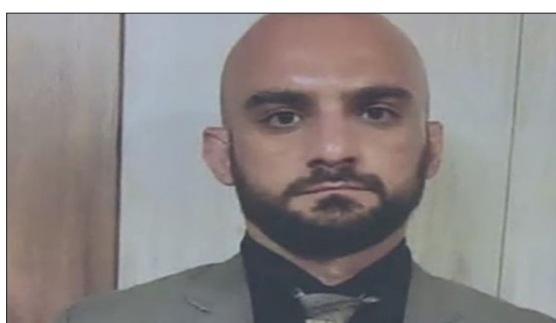
این بیوه سیاه‌بخت از آخرین پیامش به راشد هم گفت: «همان شب به راشد پیام دادم که هنوز چند ساعتی از من و بچه‌ها دور نشدی اما دلم برایت تنگ است و دلشوره دارم. گفت: یک ماه برای آموزش می‌روم و دوباره برمی‌گردم. صبح که از خواب بیدار شدم متوجه حادثه شدم. داشتم سکنه می‌کردم. هنوز هم باورش برابم سخت است. قلبم چند پاره می‌شود وقتی به عکس‌ها و فیلم‌هایش نگاه می‌اندازم. عاشقش بودم. پسرعمویم بود و وصلت‌مان در آسمان‌ها بسته شده بود.»

### نه شهید شدند نه دیه دادند

امینه خوشبخت هم همسر عبدالرحمن دلیری است. معلم سرباز دیگری که قربانی همین اتوبوس مرگ شد. «پدر شوهرم

## جیمز کلاهبردار ۱۵۰ نفر را سرکسبه کرد و ۵ میلیارد تومان پول به جیب زد

# دختران دم‌بخت طعمه سفیر قلابی شدند



یک کلاهبردار معروف به جیمز که خود را به یکی از سفارتخانه‌ها منتسب کرده بود، از سوی پایتخت دستگیر شد. این کلاهبردار ۳۲ ساله با اغفال طعمه‌های خود ۵ میلیارد تومان کلاهبرداری کرد.

این کلاهبردار سابقه‌دار با تردد در مناطق شمالی کشور اقدام به پرسیدن نشانی از خانم‌های مورد نظر می‌کرد. خودش را به عنوان سفیر یادبیلیمات یک سفارتخانه جا می‌زد که قصد دارد نشانی بی‌رسد. او با گرفتن تلفن همراه آنان اقدام به شماره‌گیری تلفن خود می‌کرد و بعد از معرفی خود، محل رازتک می‌کرد.

بعد از ساعتی، چون شماره تلفن فرد مورد نظر را به دست آورده بود به او زنگ می‌زد. البته نه به عنوان جیمز بلکه به عنوان پیمان ملکی مترجم و اینکه از سوی آقای جیمز تماس

به زبان انگلیسی و عربی است. او با جلب اعتماد طعمه‌های خود اقدام به سرقت و کلاهبرداری می‌کرد. این فرد کلاهبردار تاکنون به هیچ کشور خارجی سفر نکرده است. در حال حاضر نیز ۱۵۰ نفر از وی شکایت کردند. متأسفانه کلاهبردار سابقه‌دار است. در مورد آخر در سال ۹۸ با قید وثیقه آزاد می‌شود. در چهار مورد قبل نیز به همین شیوه و با عنوان یک مرد عرب اقدام به کلاهبرداری می‌کرده است. جیمز تاکنون به سرقت و کلاهبرداری به میزان ۵ میلیارد تومان اعتراف کرده است.»

او ادامه داد: «حکم قضائی برای نشان دادن تصویر او وجود دارد تا اگر کسی این فرد را شناخت و مورد اخاذی و کلاهبرداری واقع شده است، به نشانی کوی نصر، جنب کلاتری ۱۳۷، عملیات پلیس امنیت مراجعه کند.»

گرفته است. او مدعی می‌شد که قصد خواستگاری و ملاقات را دارد.

سرهنگ راستی، معاون عملیات پلیس امنیت پایتخت درباره جزئیات این پرونده گفت: «این فرد کلاهبردار مسلط